

تهیه و طراحی : محمد یولچی خانی



اگر این محتوا مفید بود یا اگر word این محتوا را خواستید با شماره:

« ۰۹۱۰۰۴۸۲۵۲۲ » تماس وبا واریز مبلغ دلخواه ما را یاری کنید.



درسنامه

سوفسطائیان

جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های سوفسطائیان بود. آنان معتقد بودند که جهان را نمی توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می نامیم، تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و تطابق با واقعیت ها ندارد.

آنان با کمک اقسام مغالطه ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می پرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می گذاشتند.

تأثیر اندیشه های سوفسطائیان

تحت، تأثیر اندیشه های سوفسطائیان اخلاق و فضیلت میان مردم کم رنگ شده بود.

بسیاری از مردم به دنبال حق جلوه دادن باطل بودند.

در چنین شرایطی که جامعه آتن از حقیقت و فضیلت فاصله می گرفت و حق طلبی در سایه جدل و سخنوری ماهرانه کم رنگ می شد.

با وجود اینکه سقراط کتاب ننوشت دانشمندان چگونه از اندیشه های فلسفی اش آگاه شده اند؟

سقراط هیچ کتابی ننوشت، اما سراسر حیاتش را با فلسفه سپری کرد.

زندگی وی حکایت واقعی فلسفه است.

ما از مطالعه و تأمل در زندگی او می توانیم دفتر اندیشه های فلسفی اش را ورق بزنیم و به نقش حقیقی فلسفه در زندگی انسان، بیشتر پی ببریم.

افلاطون، شاگرد برجسته وی این زندگی را حکایت کرده و مبارزه سقراط با مغالطه گران و سوفیست ها را در آثار خود به تصویر کشیده است.

عمر و زندگی سقراط

افلاطون نشان می دهد که:

سقراط عمر خود را مصروف اصلاح جامعه و شناساندن افکار مغالطه آمیز سوفیست ها کرد.

با هر کس که به او گوش می داد، مسائل اساسی خداشناسی، اخلاق، سیاست و اجتماع را در میان می گذاشت.

بحث های او به دل می نشست و به هر کجا که می رفت، مردم، به ویژه جوانان مشتاق گرد او حلقه می زدند.

روش «بحث سقراطی»

سقراط، روش بحث ثابتی داشت مفهومی از مفاهیم را که در زندگی ما اهمیت حیاتی دارد، برمی گزید و درباره اش پرسش می کرد. مثلاً «دوستی چیست؟» وقتی کسی داوطلب پاسخ می شد، با توجه به پاسخ او، سؤال دیگری طرح می کرد به طوری که مخاطب و پاسخ دهنده را به حقیقت می رساند و آنچه را که حق بود، از زبان پاسخ دهنده به دست می آورد. این روش گفت وگو و پرسش و پاسخ که سقراط به کار می گرفت، به تدریج به «روش سقراطی» شهرت یافت.

مقصود سقراط از گشت و گذار در شهر

از گشت و گذار در شهر جز این مقصودی ندارم که که:

شما جوانان و بزرگسالان را متقاعد سازم که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید.

و به شما یادآوری کنم که ثروت، فضیلت نمی آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می آید.

رسالت سقراط:

من هیچ گاه از بیدار ساختن، پند دادن و حتی سرزنش کردن یکایک شما باز نمی ایستم و شما همه جا مرا در کنار خود می یابید...

من کسی نیستم که برای پول سخن بگویم یا به خاطر آن، لب از گفتار فرو بندم.

من هم با تهی دستان و هم با توانگران همنشینی می کنم تا از من بپرسند و به سخنان من گوش فرا دهند... این رسالتی است که خداوند با نداهای غیبی و در رؤیاها برعهده من نهاده است..

محاکمه و جرم سقراط:

سرانجام مقامات حکومتی سقراط را به اتهام:

فاسد کردن جوانان

بی ایمانی به خدایان بازداشت کردند و او را محاکمه نمودند.

ملِتوس به نمایندگی از متهم کنندگان در دادگاه گفت :

جرم سقراط این است که خدایانی را که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید!

با افکار خود جوانان را گمراه می سازد و آنها را از دین و آیین پدرانشان برمی گرداند.

افترای آتنیان به سقراط:

آتنیان! بگذارید افترای را که از دیرباز به من نسبت داده اند و ملِتوس هم همان را تکرار کرد، یادآوری کنم

آنان می گویند: سقراط رفتاری خلاف دین ما آتنیان در پیش گرفته و در پی آن است که به اسرار آسمان و زمین دست یابد باطل را حق جلوه دهد و این کار را به دیگران هم می آموزد.

علت دانایی سقراط از زبان خودش:

آری! کاوش و جست و جوی من برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند، سبب شده من را « دانا » بنامند؛ در حالی که من دانا نیستم.

فقط شاید که گروه بزرگی به غلط مرا به این دلیل که وقتی نادانی کسی را آشکار می کنم، من را دانا می نامند.

کسانی که آنجا حاضرند، گمان می کنند که آنچه را آنها نمی دانند، من می دانم؛ حال آنکه دانای حقیقی فقط خداست.

راز سروش معبد دلفی

راز سروش معبد دلفی که در الهامی به دوستم کرفون گفته بود «داناترین مردم سقراط است» همین بود که:

به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم.

واگر از من به عنوان «دانا» یاد کرد، فقط به این خاطر بود که بگوید: «داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند.»

سقراط بر چه مبنایی می گفت این افترا، که من منکر خدا باشم، وارد نیست؟

اما این افترا، که من منکر خدا باشم، وارد نیست.

از تو می پرسم: آیا ممکن است که کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد، اما منکر وجود انسان باشد؟

آیا کسی پیدا می شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد ولی وجود خداوند را منکر شود.

چرا بی نترسیدن سقراط از مردن:

ای مردم! کسی که راه درست را یافت و آن را در پیش گرفت، هرگز نباید از خطر هراسی به دل راه دهد.

اکنون که خداوند مرا مأمور کرده تا در جست و جوی دانش بکوشم و آن را به دیگران بیاموزم، آیا پسندیده است که از ترس مرگ یا هر خطر دیگری از فرمان الهی سربتایم؟

«گریز از مرگ دشوار نیست، اما گریز از بدی دشوار است»

ای آتینان! گریز از مرگ دشوار نیست، اما گریز از بدی دشوار است؛ زیرا:

بدی تندتر از مرگ می دود.

من پیر و ناتوان به دام مرگ افتادم؛ ولی مخالفان من، با همه چستی و چالاکي، در چنگال بدی گرفتار آمدند

باری، اگر مرگ انتقال به جهانی دیگر است و اگر این سخن راست است که همه در گذشتگان در آنجا گرد آمده اند، پس چه نعمتی بالاتر از اینکه آدمی از این مدعیان که عنوان قاضی برخورد نهاده اند، رهایی یابد و با داوران دادگر آن جهان روبه رو شود و با نیکان و بلند مرتبگان همنشین گردد! اگر مرگ این است، حاضرم بارها به کام مرگ روانه شوم.

کامل کردنی (نقطه چین ها):

- ۱- سقراط چهره برجسته تاریخ فلسفه است.
- ۲- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های سوفسطائیان بود.
- ۳- سوفسطائیان معتقد بودند که جهان را نمی توان شناخت.
- ۴- سوفسطائیان با کمک اقسام مغالطه ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می پرداختند.
- ۵- سقراط برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت قیام کرده و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت.
- ۶- سقراط هیچ کتابی ننوشت، اما سراسر حیاتش را با فلسفه سپری کرد.
- ۷- افلاطون، شاگرد برجسته سقراط بوده ست.
- ۸- افلاطون نشان می دهد که سقراط عمر خود را مصروف اصلاح جامعه و شناساندن افکار مغالطه آمیز سوفیست ها کرد.
- ۹- روش گفت و گو و پرسش و پاسخ که سقراط به کار می گرفت، به تدریج به «روش سقراطی» شهرت یافت.

۱۰- سرانجام مقامات حکومتی **سقراط** را به اتهام **فاسد کردن** جوانان و **بی ایمانی** به خدایان بازداشت کردند و او را محاکمه نمودند.

۱۱- **میتوس** به نمایندگی از **متهم کنندگان** در دادگاه گفت.

۱۲- جرم **سقراط** این است که **خدایانی** را که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می کند و از خدایی **جدید** سخن می گوید.

۱۳- **سقراط** در دادگاه گفت: کاوش و جست و جوی من برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند، سبب شده که گروه بزرگی به غلط مرا «**دانا**» بنامند؛ در حالی که من دانا نیستم.

۱۴- از نظر **سقراط دانای حقیقی فقط خداست**.

۱۵- **سروش** معبد **دلفی** که در الهامی به دوستم **کرفون** گفته بود «**داناترین مردم سقراط**» است.

۱۶- سقراط، در پایان، دادگاه خطاب به حاضران گفت: ای آنتیان! گریز از **مرگ** دشوار نیست، اما گریز از **بدی** دشوار است.

۱۷- پس از ختم دادرسی، **سقراط** را به زندان منتقل کردند تا روزهای واپسین عمر خود را در آنجا سپری کند و در موعد مقرر جام **شوکران** را بنوشد.

۱۸- **دفاعیه** سقراط بیانیه ای فلسفی بود که همه اصول زندگی وی را در بر می گرفت.

صحیح و غلط:

۱- از نظر سقراط دانای حقیقی دوستش کرفون بود=**غلط**

۲- میتوس به نمایندگی از سقراط در دادگاه سخن گفت=**غلط**

۳- سقراط هیچ کتابی ننوشت، اما سراسر حیاتش را با فلسفه سپری کرد=**صحیح**

۴- سوفسطائیان با کمک اقسام مغالطه ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می پرداختند.=**صحیح**

۵- سرانجام مقامات حکومتی سقراط را به اتهام فاسد کردن جوانان و بی ایمانی به خدایان بازداشت کردند و او را محاکمه نمودند.=**صحیح**

۶- دفاعیه سقراط بیانیه ای فلسفی بود که همه اصول زندگی وی را در بر می گرفت.=**صحیح**

۷- سقراط سخت از مرگ ترسیده بود و تقاضای عفو و بخشش می کرد.=**غلط**

۸- جرم سقراط این است که خدایانی را که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید.=**صحیح**

۹- سوفسطائیان معتقد بودند که جهان را نمی توان شناخت.=**صحیح**

کشف ارتباط:

کدامیک از گزینه‌های ستون «ب» به گزینه‌های ستون «الف» مربوط است؟

«الف»	«ب»
۱- از نظر سقراط دانای حقیقی اوست.	سوفسطائیان=۳
۲- نماینده متهم کننده گان دادگاه سقراط بود	افلاطون=۴
۳- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های آنان بود	مغالطه ها و جدل=۵
۴- شاگرد برجسته سقراط	انکر خدایان=۶
۵- سوفسطائیان با کمک آن به نشر افکار خود می چپرداختند	کرفون=۷
۶- جرم سقراط	ملتوس=۲
۷- سروش معبد دلفی به او الهام کربده بود	خدا=۱

سوالات تشریحی:

۱- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های چه کسانی بود آنان چه اعتقادی داشتند؟

جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های سوفسطائیان بود. آنان معتقد بودند که جهان را نمی توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می نامیم، تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و تطابقی با واقعیت ها ندارد.

۲- سوفسطائیان چگونه به نشر اندیشه خود پرداخته و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می گذاشتند.

آنان با کمک اقسام مغالطه ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می پرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می گذاشتند.

۳- اندیشه سوفسطائیان چه تاثیری بر اخلاق و فضیلت و شیوه زندگی مردم زمان خود گذاشته بود؟

تحت تأثیر اندیشه های سوفسطائیان ، اخلاق و فضیلت میان مردم کم رنگ شده بود و بسیاری از مردم به دنبال حق جلوه دادن باطل بودند. در چنین شرایطی که جامعه آتن از حقیقت و فضیلت فاصله می گرفت و حق طلبی در سایه جدل و سخنوری ماهرانه کم رنگ می شد.

۴- سقراط با وجود اینکه کتاب ننوشت چگونه از اندیشه های فلسفی اش دانشمندان آگاه شده اند؟

سقراط هیچ کتابی ننوشت، اما سراسر حیاتش را با فلسفه سپری کرد. زندگی وی حکایت واقعی فلسفه است. ما از مطالعه و تأمل در زندگی او می توانیم دفتر اندیشه های فلسفی اش را ورق بزنیم و به نقش حقیقی فلسفه در زندگی انسان، بیشتر پی ببریم. افلاطون، شاگرد برجسته وی این زندگی را حکایت کرده و مبارزه سقراط با مغالطه گران و سوفیست ها را در آثار خود به تصویر کشیده است.

۵- افلاطون نشان می دهد که سقراط عمر خود را چگونه مصروف کرده است؟

افلاطون نشان می دهد که سقراط عمر خود را مصروف اصلاح جامعه و شناساندن افکار مغالطه آمیز سوفیست ها کرد. با هر کس که به او گوش می داد، مسائل اساسی خداشناسی، اخلاق، سیاست و اجتماع را در میان می گذاشت. بحث های او به دل می نشست و به هر کجا که می رفت، مردم، به ویژه جوانان مشتاق گرد او حلقه می زدند.

۶- روش «بحث سقراطی» را شرح دهید.

سقراط، روش بحث ثابتی داشت. مفهومی از مفاهیم را که در زندگی ما اهمیت حیاتی دارد، برمی گزید و درباره اش پرسش می کرد. مثلاً «دوستی چیست؟» وقتی کسی داوطلب پاسخ می شد، با توجه به پاسخ او، سؤال دیگری طرح می کرد به طوری که مخاطب و پاسخ دهنده را به حقیقت می رساند و آنچه را که حق بود، از زبان پاسخ دهنده به دست می آورد. این روش گفت و گو و پرسش و پاسخ که سقراط به کار می گرفت، به تدریج به «روش سقراطی شهرت یافت.

۷- سقراط از گشت و گذار در شهر چه مقصودی داشت؟

از گشت و گذار در شهر جز این مقصودی ندارم که شما جوانان و بزرگسالان را متقاعد سازم که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید و به شما یادآوری کنم که ثروت، فضیلت نمی آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می آید.

۸- خداوند چگونه رسالت خود را به سقراط داده بود و چه رسالتی داده بود؟

من هیچ گاه از بیدار ساختن، پند دادن و حتی سرزنش کردن یکایک شما باز نمی ایستم و شما همه جا مرا در کنار خود می یابید. ... من کسی نیستم که برای پول سخن بگویم یا به خاطر آن، لب از گفتار فرو بندم. من هم با تهی دستان و هم با توانگران همنشینی می کنم تا از من بپرسند و به سخنان من گوش فرا دهند ... این رسالتی است که خداوند با **نداهای غیبی و دروئیها** بر عهده من نهاده است.

۹- مقامات حکومتی سقراط را به چه اتهام بازداشت و محاکمه کردند؟

سرانجام مقامات حکومتی سقراط را به اتهام فاسد کردن جوانان و بی ایمانی به خدایان بازداشت کردند و او را محاکمه نمودند.

۱۰- چه کسی به نمایندگی از متهم کنندگان در دادگاه سخن گفت و جرم سقراط را چه چیزی اعلام کرد؟

ملتوس به نمایندگی از متهم کنندگان در دادگاه گفت: جرم سقراط این است که خدایانی را که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید! با افکار خود جوانان را گمراه می سازد و آنها را از دین و آیین پدران شان برمی گرداند.

۱۱- سقراط اعتقاد داشت آتنیان چه افتزایی به وی می زنند؟

آتنیان! بگذارید افتزایی را که از دیرباز به من نسبت داده اند و ملتوس هم همان را تکرار کرد، یادآوری کنم. آنان می گویند: سقراط رفتاری خلاف دین ما آتنیان در پیش گرفته و در پی آن است که به اسرار آسمان و زمین دست یابد باطل را حق جلوه دهد و این کار را به دیگران هم می آموزد.

۱۲- به اعتقاد سقراط چه را به ا و دانا می گفتند؟

آری! کاوش و جست و جوی من برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند، سبب شده «دانا» بنامند؛ در حالی که من دانا نیستم. فقط شاید که گروه

بزرگی به غلط مرا به این دلیل که وقتی نادانی کسی را آشکار می کنم، کسانی که آنجا حاضرند، گمان می کنند که آنچه را آنها نمی دانند، من می دانم؛ حال آنکه دانای حقیقی فقط خداست.

۱۳- راز سروش معبد دلفی چه بود؟

راز سروش معبد دلفی که در الهامی به دوستم کرفون گفته بود «داناترین مردم سقراط است» همین بود که به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم و اگر از من به عنوان «دانا» یاد کرد، فقط به این خاطر بود که بگوید: «داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند»

۱۴- سقراط بر چه مبنایی می گفت این افترا، که من منکر خدا باشم، وارد نیست؟

اما این افترا، که من منکر خدا باشم، وارد نیست. از تو می پرسم: آیا ممکن است که کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد، اما منکر وجود انسان باشد؟ آیا کسی پیدا می شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد ولی وجود خداوند را منکر شود.

۱۵- چرا سقراط هراس و ترسی از دادگاه و مردن نداشت؟

ای مردم! کسی که راه درست را یافت و آن را در پیش گرفت، هرگز نباید از خطر هراسی به دل راه دهد. اکنون که خداوند مرا مأمور کرده تا در جست و جوی دانش بکوشم و آن را به دیگران بیاموزم، آیا پسندیده است که از ترس مرگ یا هر خطر دیگری از فرمان الهی سربتایم؟

۱۶- چرا سقراط اعتقاد داشت «گریز از مرگ دشوار نیست، اما گریز از بدی دشوار است»؟

ای آتئیان! گریز از مرگ دشوار نیست، اما گریز از بدی دشوار است؛ زیرا بدی تندتر از مرگ می دود. من پیر و ناتوان به دام مرگ افتادم؛ ولی مخالفان من، با همه چستی و چالاکی، در چنگال بدی گرفتار آمدند. باری، اگر مرگ انتقال به جهانی دیگر است و اگر این سخن راست است که همه در گذشتگان در آنجا گرد آمده اند، پس چه نعمتی بالاتر از اینکه آدمی از این مدعیان که عنوان قاضی برخورد نهاده اند، رهایی یابد و با داوران دادگر آن جهان روبه رو شود و با نیکان و بلند مرتبگان همنشین گردد! اگر مرگ این است، حاضرم بارها به کام مرگ روانه شوم.

اندیشه

۱- در رفتار و گفتار سقراط بیندیشید و به سؤال های زیر پاسخ دهید:

۱- چرا سقراط وظیفه خود می دانست که درباره مسائل اساسی زندگی با مردم صحبت کند؟ آیا مردم از او چنین درخواستی کرده بودند؟

سقراط درباره مسائل اساسی زندگی با مردم سخن می گفت بدون اینکه مردم از او درخواست کنند. سقراط می گفت این رسالتی است که خداوند با نداها و غیبی و در رؤیاها بر عهده من نهاده است.

۲- سقراط، این وظیفه خود را با چه روشی انجام می داد؟

سقراط روش بحث ثابتی داشت. مفهومی از مفاهیم را که در زندگی اهمیت حیاتی دارد برمی گزید و درباره اش پرسش می کرد و با توجه به پاسخ مخاطب پرسش دیگری را مطرح می کرد به طوری که پاسخ دهنده

را به حقیقت می‌رساند. این روش بحث و گفت‌وگویی که سقراط به کار می‌برد به تدریج به روش سقراطی شهرت یافت.

۳- مخالفان اصلی سقراط چه کسانی بودند؟

مخالفان سقراط کسانی بودند که با کمک اقسام مغالطه‌ها و جدل و فنّ سخنوری، حق را باطل و باطل را حق جلوه می‌دادند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می‌گذاشتند. سقراط در چنین شرایطی قیام کرد و تفکر عقلانی را احیا نمود.

۴- با توجه به آنچه تا اینجا درباره سقراط بیان شد، آیا می‌توان برخی از اصول فکری سقراط را به دست آورد؟ درباره فضیلت و ثروت، عقل و جهل و ...؟

برتری فضیلت بر ثروت - فداکاری در راه حقیقت- تحمل رنج برای آگاهی مردم- مبارزه با جهل و نادانی- احساس تواضع در برابر علم و دانایی

اندیشه

سقراط الگویی از یک فیلسوف است که براساس فلسفه اش زندگی کرده و در راه پایبندی به آن جان خود را فدا نموده است. در این قسمت می‌خواهیم در گفتار و رفتار این فیلسوف بزرگ تأمل کرده و آن اصول فلسفی را که وی با آنها زندگی کرده، استخراج نماییم:

۱- چرا شاکیان، سقراط را متهم به بی‌دینی و انکار خدا می‌کردند؟ آیا واقعا او اعتقادی به خدا نداشت؟

سقراط حقیقتاً به خدا اعتقاد داشت و حتی معتقد بود که سرش معبد دلفی از جانب خداوند برای او پیغام‌هایی می‌آورد تا با مردم در میان بگذارد. او به مغالطه و فریب و زیرپا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی اعتراض داشت و از مردم می‌خواست که به خدای برتر که همه چیز را می‌داند ایمان داشته باشند و بار دیگر فضیلت‌های اخلاقی را زنده کنند.

۲- آیا می‌توان با تأمل در سخنان وی در دادگاه، برخی دیگر از اندیشه‌های سقراط را به دست آورد؟ مثلاً درباره خدا، مرگ و ...؟

کسی که راه درست را بیابد و در زندگی به کار گیرد هرگز نباید از خطر هراسی به دل راه دهد.

نبايد از ترس مرگ يا هر خطر ديگري از فرمان الهي سر برتافت.

نمی‌توان علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشت ولی وجود خداوند را منکر شد.

۳- چرا سقراط دانایی را در اقرار به نادانی می‌دانست؟ آیا میان «چیزی نمی‌دانم» سقراط با «چیزی نمی‌دانیم» سوفسطائیان تفاوتی هست؟

علت دانا معرفي کردن سقراط در اين است که او می‌داند که نمی‌داند؛ به عبارت ساده به جهل خویش آگاه است ولی دیگران که خود را دانا می‌شمارند، از دانایی بهره‌ای نبرده‌اند یعنی نمی‌دانند که نمی‌دانند و به جهل خود جاهل و نادانند به همین دلیل سقراط دانایی را در اقرار به نادانی می‌دانست؛

پس تفاوت نمی دانم سقراط با نمی دانم سوفسطائیان این است که نمی دانم سقراط ریشه در تواضع و فروتنی او دارد و خود را دوستدار دانش معرفی می کند ولی نمی دانم سوفسطائیان ریشه در جمل مرکب و خودبزرگ بینی کاذب دارد.

۴- وقتی به زندگی سقراط و رفتار او در مقابل دیگران نگاه می کنیم، کدام اصول اخلاقی را در رفتار وی می توانیم مشاهده کنیم؟

۱- ترجیح فضیلت بر ثروت ۲- گذرگاه بودن مرگ ۳- تواضع و فروتنی علمی ۴- فداکاری در راه حقیقت ۵- تحمل رنج برای آگاه کردن مردم ۶- مبارزه با جمل و نادانی